

پنجشنبه ۱۳ شهریور ۱۴۰۴
 وطن امروز | شماره ۴۴۰۴

ورزشی

گزارش

آغاز رقابت بزرگ آسیا با حضور ۲۵ ستاره

ستارگان قاره



فصل تازه فوتبال قاره کهن هنوز به طور کامل آغاز نشده اما هیچان انتخاب بهترین بازیکن سال آسیانفس‌ها را در سینه حبس کرده است، در حالی که تقویم فوتبالی شرق و غرب قاره همچنان پر از رقابت‌های باشگاهی و ملی است.مجله معتبر «تیتان اسپورت» برای سیزدهمین بار متوالی رأی‌گیری گسترده‌ای را میان روزنامه‌نگاران برجسته برگزار کرده تا یک نفر به‌عنوان «مرد سال فوتبال آسیا» انتخاب شود.

سال گذشته اکرم عفیف از قطر با اختلافی اندک توانست زنجیره جایزه‌های پیاپی سون هیونگ مین را متوقف کند. در واقع، فاصله او با ستاره کره‌ای تنها ۱،۳ درصد بود اما همین برتری کوچک کافی بود تا جام بهترین بازیکن به دوحه برود. عفیف با درخشش در تیم ملی قطر و رساندن کشورش به دومین قهرمانی پیاپی جام ملت‌ها، توانست نگاه خبرنگاران را به خود جلب کند. سون که سال‌ها با پیراهن تانتهام عملکردی درخشان داشت، از ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۱ بار پیاپی این جایزه را کسب کرد. او قاطعانه‌ترین پیروزی‌اش را سال ۲۰۱۸ تجربه کرده همان سالی که پس از جام جهانی و حضور پر قدرت در لیگ برتر انگلیس، توانست با اختلافی چشمگیر نسبت به رقبایی چون ماکوتو هاسه‌به و علیرضا بیرانوند بر صدر تکیه بزند.

حاجبایت اسمال در آن است که ۲ نام آشنا از ایران در میان فینالیست‌ها قرار دارند. سردار آزمون و مهدی طارمی بار دیگر برای تصاحب این جایزه تلاش خواهند کرد. هر دو پیش‌تر نیز مقابل ستاره کره‌ای صف‌آرایی کرده بودند اما ناکام ماندند. حالا امید می‌رود با عملکردی چشمگیر در باشگاه‌های شان، داوران را متقاعد کنند. در کنار این دو، کریستیانو رونالدو، کریم بنزما و ریاض محرز هم به عنوان لژیونرهای شاخص لیگ عربستان در فهرست حضور دارند. حضور چنین نام‌هایی باعث شده فهرست اسمال بیش از هر زمان دیگری زیر ذره‌بین جهانی قرار گیرد. نکته جالب اینکه هر ۵ بازیکن غیرآسیایی انتخاب‌شده، همگی در لیگ عربستان توپ می‌زنند؛ اتفاقی که نشان‌دهنده نقش پررنگ این کشور در بازار نقل‌وانتقالاتی فوتبال است.

از میان ۲۰ بازیکن آسیایی، ژاپنی‌ها بیشترین سهم را دارند؛ ۶ نفر از سرزمین آفتاب تابان در لیست نهایی حضور دارند. پس از آن، کره جنوبی با ۴ و ایران با ۲ نماینده جایگاه‌های بعد را به خود اختصاص داده‌اند. حضور وسام ایوعلی از فلسطین در میان نامزدها هم نکته قابل توجهی است؛ او با درخشش در الاهلی مصر توانسته جایگاهی در جمع برترین‌ها برای خود دست‌وپا کند.

بر اساس مقررات «تیتان اسپورت»، ۳ گروه از بازیکنان شناس حضور در این رأی‌گیری را دارند: فوتبالیست‌های آسیایی حاضر در لیگ‌های داخلی قاره، آسیایی‌های فعال در اروپا یا سایر قاره‌ها و بازیکنان خارجی شاغل در تیم‌های آسیایی. همین گستردگی باعث شده این جایزه در مقایسه با انتخاب‌های رسمی کنفدراسیون فوتبال آسیا تنوع بیشتری داشته باشد.

برای ایران، حضور هم‌زمان آزمون و طارمی اهمیت زیادی دارد. آزمون پس از حضور در الاهلی امارات، همچنان یکی از مهاجمان کلیدی تیم ملی محسوب می‌شود و طارمی با انتقال به اینتر میلان، فرصت تازه‌ای برای نمایش توانایی‌هایش در یکی از بزرگ‌ترین لیگ‌های جهان پیدا کرد. این ۲ اگرچه در لیگ‌های متفاوتی بازی می‌کنند اما مشترکاً می‌توانند نمایندگان شایسته‌ای برای فوتبال ایران در این سطح باشند. از دید کارشناسان، دستاوردهای باشگاهی در سال جاری احتمالاً وزنه بیشتری نسبت به افتخارات ملی خواهد داشت. بنابراین، عملکرد طارمی در سری آ و آزمون در لیگ امارات می‌تواند در سرنوشت نهایی‌شان بسیار تأثیرگذار باشد.

نتیجه نهایی پس از بررسی دقیق آرای هیات ژوری طی یک ماه آینده اعلام خواهد شد. هواداران فوتبال در سراسر قاره منتظر هستند تا ببینند آیا دوباره یک نام تازه بر قله فوتبال آسیا خواهد نشست یا اینکه ستاره‌ای مثل رونالدو، بنزما یا حتی سون هیونگ مین بار دیگر بر صدر تکیه خواهند زد. تنها یک چیز روشن است: رقابت اسمال از همیشه سخت‌تر، پرستاره‌تر و پیش‌بینی‌ناپذیرتر خواهد بود.

خبر

دلیل جذب نکردن کاپیتان تیم ملی کامرون توسط پرسپولیس



پرسپولیس به دلیل پیشنهاد بالای وینسنت اوبوکر، مهاجم کامرونی قید جذب او را زد. به گزارش فارس، که در روزهای اخیر برخی مدعی بودند وینسنت اوبوکر، بازیکن مطرح کامرونی به پرسپولیس خواهد پیوست اما حالا مشخص شده این باشگاه قید جذب این بازیکن را زده است.

گفته می‌شود مبلغ درخواستی اوبوکر برای پرسپولیس بالا بوده و به همین خاطر، جذب کاپیتان کامرون متنفی شده. رقم درخواستی اوبوکر از پرسپولیس یک و نیم میلیون دلار بوده است.

این در حالی است که وحید هاشمیان، سرمربی پرسپولیس همچنان منتظر جذب ۳-۲ بازیکن جدید برای تقویت اسکواد تیمش است.

میراث طلایی جوانان و مسؤولیت فردای والیبال ایران

امتداد نسل قهرمان



والیبال ایران در رده‌های سنی

پایه، همواره تصویری پر از تضاد به نمایش گذاشته است؛ جایی که درخشش خیره‌کننده گروهی از جوانان، هم‌زمان با لغزش و افت نوجوانان، تصویری دوگانه خلق می‌کند. در یک سوی میدان، تیم جوانان با اقتدار به بالاترین قله جهان رسید و همچون ارثشی شکست‌ناپذیر، هر رقیبی را کنار زد، در سوی دیگر تیم نوجوانان که به مدال آوری عادت داشت، امسال از سکو بازماند و این واقعیت را یادآوری کرد که موفقیت بدون برنامه‌ریزی دقیق و سرمایه‌گذاری مداوم، هرگز پایدار نخواهد بود.

معدود بی‌مانند نسل جوان

۳ عنوان قهرمانی جهان در ۶ سال، برای کشوری که پیش‌تر در عرصه والیبال تنها به آسیا قناعت می‌کرد، نشانی روشن از یک انقلاب ورزشی است. هدایت این نسل جوان بر عهده غلامرضا مومنی مقدم است؛ سرمربی‌ای که ۳ سال پیاپی با ترکیبی از انگیزه، سخت‌کوشی و هوشمندی، تیمش را به مسیر بی‌شکست رساند. او در ۲ دوره رقابت‌های قاره‌ای و ۲ میدان جهانی، تنها یک تصویر به جا گذاشت: قدرت مطلق ایران در والیبال پایه.

مسیر قهرمانی اخیر تیم جوانان نیز سرشار از

آزمون‌های بزرگ بود. قزاقستان، پورتوریکو، کره جنوبی،

کانادا، لهستان، آرژانتین، چین، آمریکا و ایتالیا، همگی با

موجی از هماهنگی و قدرت بازیکنان ایرانی مواجه شدند

و راهی جز پذیرش شکست نداشتند. مهم‌تر اینکه این موفقیت بدون حتی یک لغزش در طول رقابت‌ها رقم خورده؛ رخدادی که بیش از هر چیز نشان از انسجام درونی، آمادگی جسمانی فوق‌العاده و تاکتیک‌های دقیق دارد.

فلسفه فنی پیروزی‌ها

بررسی جزئیات فنی این تیم نشان می‌دهد موفقیت، محصول شناس یا شرایط اتفاقی نبوده است. ساختار حملات تیم جوانان بر پایه سرعت و تنوع طراحی شد؛ دفاع روی تور و عقب زمین، انسجامی مثال‌زدنی داشت؛ سرویس‌ها با هدف‌گذاری دقیق به اجرا درمی‌آمدند و هماهنگی بازیکنان به حدی بود که عملاً هیچ شکافی در سیستم باقی نمی‌ماند. پاسور اصلی تیم نیز با مدیریت بی‌هوشمندانه، توپ را در لحظه مناسب به دست مهاجمان می‌رساند و ریتم بازی را در اختیار می‌گرفت. این ترکیب از عناصر فنی و ذهنی، تیم ایران را به نماد شکست‌ناپذیری تبدیل کرد.

پیوستگی موفقیت در سال‌های اخیر

بازگشت به کارنامه چند سال گذشته نشان می‌دهد این قهرمانی‌ها جرقه نیست. سال ۲۰۱۹ و سپس ۲۰۲۳، جوانان ایران با درخشش خود قهرمانی جهان را تجربه کردند. این استمرار بیانگر آن است که والیبال پایه ایران از یک روند نظام‌مند بهره می‌برد و انتخاب، پرورش و حمایت از استعدادها به‌طور جدی دنبال شده است. چنین پیوستگی‌ای بدون برنامه‌ریزی عمیق و سرمایه‌گذاری هدفمند ممکن نبود.

نشانه‌های افت نوجوانان
اما همه چیز به رنگ طلا و پیروزی نیست. تیم نوجوانان که سال‌ها به عنوان پشتوانه‌ای مطمئن برای آینده شناخته می‌شد، امسال تنها به مقام چهارم جهان رسید؛ نتیجه‌ای که با معیارهای گذشته فاصله دارد. نوجوانان عادت داشتند روی سکوی جهانی بایستند و دست‌کم یک مدال در دست داشته باشند. ناکامی اخیر نشان داد مسیر آماده‌سازی در این رده به بازنگری فوری نیاز دارد. اگر پایه‌ها محکم نشود، سقف پرشکوه تیم‌های بالاتر نیز دیر یا زود فرو خواهد ریخت.

مسؤولیت سنگین مدیران ورزشی

موفقیت جوانان و لغزش نوجوانان، بار بزرگی را بر دوش فدراسیون والیبال و وزارت ورزش قرار داده است. نسل درخشان‌ی که امروز در تیم جوانان دیده می‌شود، فردا ستون‌های اصلی تیم ملی بزرگسالان خواهد بود. در واقع آینده والیبال ایران در همین لحظه ساخته می‌شود و کوچک‌ترین غفلت می‌تواند سال‌ها زحمت را بر باد دهد. برای تثبیت موفقیت ایران در والیبال جهان، نیاز به طراحی یک نقشه جامع احساس می‌شود:
- سرمایه‌گذاری طولانی‌مدت روی نوجوانان تا چرخه تأمین بازیکن متوقف نشود.
- فراهم‌سازی امکانات بدن‌سازی و فنی نوین برای آماده‌سازی حرفه‌ای
- ایجاد مسیر انتقال تدریجی به تیم بزرگسالان تا استعدادها در میانه راه از بین نروند.
- مدیریت علمی در انتخاب مربیان و کادر فنی، به‌جای

استقلال در تلاطم انتصاب‌های غیرمنتظره و بحث‌برانگیز تاجرنیا

مدیریت سیاسی

شناخته‌شده وارد ساختار استقلال شدند، بدون آنکه شفافیتی درباره عنوان دقیق مسؤولیت یا جایگاه سازمانی‌شان وجود داشته باشد. برای نمونه، فردی به‌عنوان معاون فرهنگی معرفی شد اما در عمل، نقش و نقودی فراتر از حد یک معاونت عادی به دست آورد. این موضوع باعث شد بسیاری از هواداران استقلال بپرسند اساساً چه معیارهایی برای سپردن این جایگاه‌ها در نظر گرفته می‌شود. اوج انتصاب‌های پرسش‌برانگیز در روزهای اخیر رقم خورد. تاجرنیا تصمیم گرفت شورای سیاست‌گذاری هواداران استقلال را تشکیل دهد و در ترکیب اولیه این شورا، نام‌هایی دیده می‌شود که هیچ سختی‌ت یا دنیای ورزش ندارند. مهم‌ترین‌شان سعیدالله بادشتی است؛ فردی که سابقه اجرایی در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی دارد اما هیچ ردپایی از فعالیت‌های ورزشی در کارنامه‌اش دیده نمی‌شود.

نگاهی به سوابق بادشتی روشن می‌کند انتخاب او نمی‌تواند بر مبنای توانمندی در حوزه ورزش صورت گرفته باشد. او سال‌ها در دولت‌های پیشین، سمت‌های اجرایی و مشاوره‌ای داشته است؛ از حضور در هیات‌مدیره شرکت‌های صنعتی تا فعالیت در ستادهای انتخاباتی چهره‌های شناخته‌شده سیاسی. حتی در مقطعی به دلیل شعارهای سیاسی در یک مراسم بازداشت شد. سال گذشته نیز به‌عنوان مشاور عالی در حوزه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی منصوب شد.

این رزومه هرچند پر از تجربه در حوزه‌های اداری و سیاسی است اما کمترین ارتباطی با فوتبال و مدیریت ورزشی ندارد. همین مساله پرسش‌های جدی ایجاد کرده که چرا باشگاهی به بزرگی

از روزی که علی تاجرنیا به‌عنوان نماینده یک هلدینگ بزرگ وارد ساختار استقلال شد، تغییرات پرحرف‌وحديث در این باشگاه پایانی نداشته است. او حالا سرپرست مدیرعاملی آبی‌هاست و در این مدت، مسیر انتصاب‌هایش بارها با واکنش منفی کارشناسان و هواداران مواجه شده است. تقریباً تمام نیروهای قدیمی کنار گذاشته شدند و جای خود را به افرادی دادند که اغلب سابقه فوتبالی ندارند. همین روند شائبه‌هایی درباره محدود بودن اختیارات معاونان باسابقه باشگاه و نقش پررنگ تصمیم‌های شخصی تاجرنیا ایجاد کرد.

یکی از جنجالی‌ترین تصمیم‌های او، معرفی فردی بدون هر گونه سابقه ورزشی به‌عنوان سخنگوی استقلال بود؛ انتخابی که خیلی زود به اختلافات تازه انجامید. درگیری لفظی میان سخنگوی تازه منصوب شده و یکی از چهره‌های محبوب استقلال تنها نمونه‌ای از پیامدهای این سیاست نبود. حتی گفته می‌شود حکم برکناری او نیز امضا شد اما تغییرات مدیریتی در بالاترین سطح، مانع خروجش شد تا همچنان بر مسند باقی بماند.

سلسله انتصاب‌های بعد هم دست‌کمی از این ماجرا نداشت. چهره‌هایی با نام‌های کمتر



فدراسیون میان تراکتور و سپاهان صلح می‌جوید

بحران پرتغالی

بین‌المللی وسط کشیده شود. منابع نزدیک به فدراسیون خبر داده‌اند مهدی تاج و همکاری‌اش با ارسال دعوت‌نامه به ۲ باشگاه، امیدوارند اختلافات در فضایی دوستانه حل‌وفصل شود. البته تجربه نشان داده توافق روی کاغذ ساده نیست، مخصوصاً وقتی هر ۲ طرف خود را محق می‌دانند.

اگر سپاهان بازنده این نبرد حقوقی باشد، پیامدهای سنگینی در انتظارش خواهد بود؛ از محرومیت احتمالی آواز تا بسته شدن پنجره‌های نقل‌وانتقالاتی. در مقابل، تراکتور در صورت پیروزی، هم دستاورد مالی خواهد داشت و هم اعتباری بزرگ در فوتبال ایران به دست می‌آورد. حتی احتمال پرداخت غرامت از سوی سپاهان به تبریزی‌ها هم مطرح است؛ فرضیه‌ای که هواداران رقیب در شبکه‌های اجتماعی به آن دامن می‌زنند. از نگاه برخی کارشناسان، دخالت فدراسیون می‌تواند

تصمیمات مقطعی و احساسی.

اهمیت روان‌شناسی و فرهنگ تیمی

یکی از عوامل پنهان موفقیت جوانان، روحیه جمعی و فرهنگ تیمی آنها بود. بازیکنان نه‌تنها از لحاظ تکنیکی رشد کرده بودند، بلکه ذهنیتی برنده داشتند. این بعد روان‌شناختی باید به‌طور جدی در رده نوجوانان نیز دنبال شود. کار با روان‌شناسان ورزشی، آموزش مهارت‌های ذهنی و ایجاد حس مسؤولیت جمعی، به اندازه تمرینات فیزیکی اهمیت دارد.

هشدار آینده

اگر چه قهرمانی‌های متوالی باعث غرور ملی می‌شود اما نباید غافل شد جهان ورزش پر از رقبایی است که بی‌وقفه تلاش می‌کنند.

کشورهایی چون لهستان، ایتالیا و آمریکا هرگز درجا نمی‌زنند و برای بازپس‌گیری جایگاه‌شان، برنامه‌های کلان دارند. ایران اگر از حالا به فکر تقویت نوجوانان و حمایت از جوانان نباشد، ممکن است در سال‌های آینده با عقب‌گردی غیرمنتظره روبه‌رو شود.

والیبال پایه ایران اکنون در نقطه‌ای حساس ایستاده است؛ نقطه‌ای میان افتخار و هشدار. تیم جوانان با عملکردی بی‌نقص به اوج قرار دارد اما نوجوانان با افت خود زنگ خطری را به صدا درآورده‌اند. تنها با حمایت پایدار، برنامه‌ریزی علمی و نگاه بلندمدت است که می‌توان این مسیر طلایی را ادامه داد. نسلی که امروز می‌درخشد، اگر درست مدیریت شود، فردا ضامن تداوم اقتدار ایران در صحنه جهانی خواهد بود.

استقلال، محلی برای چنین انتصاب‌هایی شده است. هواداران نگرانند جایگاه باشگاه بیش از آنکه بر مبنای نیازهای ورزشی تقویت شود، به سکویی برای فعالیت‌های غیرورزشی تبدیل گردد. از سوی دیگر، حذف تدریجی مدیران قدیمی و جایگزینی افراد بیرون از حوزه ورزش، شکاف میان بدنه اصلی باشگاه و مدیریت جدید را افزایش داده است. بسیاری معتقدند این سیاست‌ها می‌تواند در درازمدت استقلال را از مسیر اصلی خود دور کند و هویت ورزشی آن را زیر سؤال ببرد.

تحلیلگران ورزشی می‌گویند باشگاهی در ابعاد استقلال باید بر اساس معیارهای شفاف، حرفه‌ای و فوتبالی اداره شود. سپردن مسؤولیت به افرادی که ارتباط مستقیمی با ورزش ندارند، نه‌تنها به سود تیم نیست، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز حاشیه‌های تازه‌ای شود؛ حاشیه‌هایی که استقلال طی سال‌های اخیر بیش از اندازه با آن دست به گریبان بوده است.

به نظر می‌رسد ادامه این روند، بیش از آنکه به تقویت ساختار باشگاه کمک کند، موقعیت استقلال را شکننده‌تر خواهد کرد. انتخاب‌های غیرورزشی و ورود سیاست به جایگاه‌های فوتبالی، خطر بزرگی است که اگر امروز به آن توجه نشود، فردا تبعات جبران‌ناپذیری خواهد داشت.

اکنون نگاه‌ها به آینده تصمیم‌های تاجرنیا دوخته شده است. اینکه آیا او مسیر انتخاب‌های پرابهام خود را تغییر خواهد داد یا همچنان استقلال را به صحنه حضور چهره‌های غیرورزشی بدل خواهد کرد، پرسشی است که پاسخ آن تعیین‌کننده آینده این باشگاه پرهودار خواهد بود.

همان‌قدر که فرصت‌ساز است، تهدیدزا هم باشد، زیرا اگر این نهاد بی‌طرفی خود را زیر سؤال ببرد، ممکن است راهی جز شکایت بین‌المللی برای یکی از ۲ طرف باقی نماند. با این وجود، جلسات حقوقی می‌تواند به کاهش هزینه‌های احتمالی در سطح بین‌المللی کمک کند.

فضای موجود به‌گونه‌ای است که هیچ‌کدام از طرفین حاضر نیستند نتیجه نهایی تقریباً غیرممکن باشد. مدارک خود بر قانونی بودن قرارداد تأکید می‌کنند، درحالی‌که تراکتوری‌ها سند تعدید قبلی را رو می‌کنند و آن را معتبر می‌دانند. این تضاد دیدگاه‌ها باعث شده پیش‌بینی نتیجه نهایی تقریباً غیرممکن باشد. اگر فدراسیون بتواند ۲ باشگاه را پای میز تفاهم بنشاند، احتمالاً از ورود پرونده به CAS جلوگیری می‌شود اما اگر این اتفاق رخ ندهد، مسیر دعوا طولانی‌تر خواهد شد و فوتبال ایران ممکن است بار دیگر در رسانه‌های خارجی به دلیل حواشی حقوقی زیر ذره‌بین برود.

جلسه فوق، نشست است که می‌تواند یا سراغاز آشتی ۲ باشگاه باشد یا آتشی تازه در جدالی که هنوز شعله‌هایش خاموش نشده است.